

خاطرات جنگ جهانی دوم

جلد چهارم

ورق برمی گردد

۱۸ ژانویه - ۳ ژوئیه ۱۹۴۲

وینستون چرچیل

تورج فرازمند

نشر دبیر

۱۴۰۰

مقدمه

در «طوفان نزدیک می‌شود»، «لحظات حساس» و «اتحاد بزرگ»، من حوادثی که منجر به جنگ جهانی، فتح اروپا به وسیله آلمان هیتلری و مقاومت انگلستان که تا هجوم نازی‌ها به روسیه و حمله ژاپن و ورود امریکا و شوروی در جنگ تنها مانده بود را آن‌طور که دیده بودم شرح دادم.

در واشینگتن، در سحرگاه سال جدید، رئیس جمهور امریکا و من همراه با مشاورین نظامی و دیپلماتیک خود «اتحاد بزرگ» را اعلام کردیم و اصول اساسی سوق الجیشی را برای اوار کردن جنگ تعیین نمودیم. در آن وقت ما می‌بایست با هجوم ژاپنی‌ها مقابله می‌کردیم.

وضع در ۱۷ ژانویه ۱۹۴۲، یعنی تاریخی که من در بندر پلیموت پیاده شدم و کتاب حاضر نیز از آنجا شروع می‌شود، چنین بود.

شرح ماجرا این بار نیز مانند دفعات گذشته از نظر نخست‌وزیر بریتانیا که با حفظ مقام وزیر دفاع، مسئولیت امور جنگی را برعهده داشت بیان شده است. من بار دیگر به سلسله یادداشت‌ها، تلگرام‌ها و دستوراتی که دادم تکیه می‌کنم. اهمیت و ارزش آنها در این است که آن وقت نوشته شده و من نمی‌توانم امروز آنها را به عبارت روشن‌تری بنویسم. این اسناد اصیل و رسمی به تدریج و با پیش آمدن حوادث جدید از طرف من دیکته شده است. چون همه آنها انشای من و همزمان با حوادث است، ترجیح می‌دهم که قضاوت درباره من براساس قضاوت درباره آنها باشد. البته آسان‌تر است که پس از گذشت حوادث درباره آنها صحبت کنیم و به تعبیر و تفسیر پردازیم، ولی من این مهم

را به مورخین واگذار می‌کنم که در موقع خود و پس از تعمق و تفکر کافی به بحث بپردازند.

من این جلد را «ورق برمی گردد» نامگذاری کرده‌ام، زیرا طی آن از یک سلسله شکست به یک سلسله پیروزی می‌رسیم. در شش ماه اول این کتاب همه چیز رو به بدی و در شش ماه دوم همه چیز رو به خوبی می‌رود. این برگشت دلیلی بر حوادث تا پایان مبارزه ادامه دارد.

وینستون سپنسر چرچیل

اول سپتامبر ۱۹۵۰

چارتول (Chartwell)، وسترهام (Westerham)، کنت (Kent)